

۱۷۱۵۵۳۹

سیدالمرحوم

نقد و بررسی روانشناسانه آثار و منشگ مرادی کرمانی

مؤلفان :

نرگس خانی فرسنگی

فرزانه شیرعلی نژاد

سرشناسه	: خانی فرسنگی، نرگس، ۱۳۴۸ -
عنوان و نام پدیدآور	: نقد و بررسی روانشناسانه آثار هوشنگ مرادی کرمانی / مولفان نرگس خانی فرسنگی، فرزانه شیرعلی نژاد.
مشخصات نشر	: تهران: انتشارات راه دکتري، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهري	: ۱۴۴ ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۴۶۵-۵۴۸-۴
وضعيت فهرست نویسی	: فیپا
موضوع	: مرادی کرمانی، هوشنگ ۱۳۲۳ - -- نقد و تفسیر
موضوع	: ادبیات فارسی -- جنبه‌های روان‌شناسی
موضوع	: Persian literature -- Psychological aspects
موضوع	: داستان‌های فارسی -- قرن ۱۴ -- تاریخ و نقد
موضوع	: Persian fiction -- History and criticism ۲۰th century --
شناسه افزوده	: شیرعلی نژاد، فرزانه، ۱۳۷۱ -
رده بندی کنگره	: ۱۱ / ۸۲۰۲۰ / ۲۸ ی ۱۳۹۷۸۳
رده بندی دیویی	: ۳۳۳/۳۴۸
شماره کتابشناسی ملی	: ۲۲۰۶۹



عنوان: نقد و بررسی روانشناسانه آثار هوشنگ مرادی کرمانی
مولفان: نرگس خانی فرسنگی، فرزانه شیرعلی نژاد.

تیراژ: ۵۰۰ نسخه

ناشر: انتشارات راه دکتري: سنجش و دانش

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۷

صفحه آرایي: مهدیه مخبري

طراح جلد: مهتاب دوستی

قیمت: ۱۸۰.۰۰۰ ریال

کلیه حقوق مادی و معنوی برای مولف محفوظ می باشد

www.rezomephd.ir

www.sanjesh.ir

فهرست مطالب

۱	مقدمه
۱	تاریخ نقد روانشناسانه
۳	نظریات فروید
۶	آدلر و نظریات او
۷	احساس کهنری و جبران
۸	نقد هنر و ادبیات در نظریات آدلر
۸	یونگ و نظریات او
۹	تحلیل روان شناسی آثار ادبی
۱۰	نقد روان شناختی
۱۱	تحلیل روان شناخت متن
۱۱	روانکاوی و نقد
۱۳	نقد روانکاوانه در ادبیات
۱۴	بررسی کار هنری از دید روانکاوی
۱۴	کار هنری و روان درمانی
۱۴	رابطه اثر هنری و متن با مؤلف
۱۶	زندگی نامه، خاطرات مرادی کرمانی و بازتاب آنها در آثارش
۱۶	زندگی نامه هوشنگ مرادی کرمانی
۲۱	نظریات روان شناسان و آثار و خاطرات "مرادی کرمانی"
۲۳	عناصر مهم در آثار مرادی کرمانی
۲۴	رابطه اشخاص زندگی مرادی کرمانی با شخصیت های داستان هایش
۳۱	علاقه های مرادی کرمانی
۹۸	۱- شیر
۱۰۱	۲- در مانگری نه بابا
۱۰۲	۳- احترام نه بابا
۱۰۳	۴- پیر غیب
۱۰۶	۵- بیایی

۱۰۹	۶-ریاضی
۱۱۷	۸-گربه
۱۱۸	۹-نانوایی
۱۲۲	۱۰-آب فروشی
۱۲۳	۱۱-ثیت نام
۱۲۶	۱۲-دوچرخه
۱۳۰	۱۳-ترس از مار
۱۳۱	۱۴-مشکلات نویسه
۱۳۶	۱۵-کلاه
۱۳۷	۱۶-سفر
۱۴۱	۱۷-جنگ
۱۴۳	فهرست منابع (کتابنامه)

مقدمه

هوشنگ مرادی کرمانی نویسنده ای تواناست که زندگی سختی را پشت سر گذاشته و مراحل زندگی وی در آثارش انعکاس یافته است و از سطح ظاهری آثار وی می توان به باطن و عمق آنها رسید. بانگاهی کنجکاو می توان لایه زیرین آثار وی را کشف نمود و شخصیت نویسنده را در آنها جستجو کرد.

اصول روانکاوی برینش و تفسیر ما از مرادی کرمانی تأثیری گذارد و دید و بصیرت ما را وسیع می کند. حذلان روانشناسانه آثار این نویسنده بزرگ و مسائل مطرح در آثارش، ما را در شناخت وی یاری کرده و به ماکزیم می کند که به محرومیت ها و تجارب زندگی او پی ببریم. متن آثار مرادی کرمانی، نمود نیروهای ناآگاهانه ای است که با مطالعه آنها به شخصیت و حالات وی پی می بریم. بعضی از شخصیت های آثار او معرف شخصیت کودکی و نوجوانی اوست.

وی بیشترین تعداد آثار ترجمه شده به زبان های خارجی را در کارنامه خود دارد و از روی داستان هایش بیشترین تعداد فیلم ساخته شده است. خواندن روانکاوانه آثار مرادی کرمانی با توجه به تأثیر نیروهای ناآگاهانه ای که در پس ظاهر آنها نهفته است، ما را به شناخت خالق آن آثار رهنمون می گرد.

تاریخ نقد روانشناسانه

نقد روانشناسانه سابقه طولانی دارد و با افلاطون آغاز می شود. "ارسطو" هم دست به تفسیر روانشناسانه زد. ولی نقد روانشناسانه با گسترده شدن معانی جدید آن، مدیون کشفیات "فروید" است که نظریه ناخود آگاه را مطرح کرد و بحث های دقیقی را در مورد جنبه های آن مطرح کرد. دو تن از پیروان "فروید" یعنی "یونگ" و "آدلر"، بعدها با بعضی از نظریات او به

مخالفت برخاستند. دکتر "حمیدرضا شایگان فر" در کتاب «نقد ادبی» که به معرفی مکاتب نقد پرداخته، در این زمینه می گوید:

«می توان تاریخ این روش نقدی را با "افلاطون" شروع کرد؛ اول بار افلاطون بود که در رساله فدروس، شعر حقیقی را نوعی هذیان دانست که از ذهن انسانی پریشان حال و آشفته خاطر تراش می کند.

"ارسطو" هم آنجا که برای نمایش تراژدی، تأثیر سبک شدگی و تزکیه قائل بود، در واقع دست به تفسیری روانشناسانه در مورد تأثیر ادبیات بر بیننده و خواننده، زده بود. او می گفت: «تماشای تراژدی در حالت ترس و شفقت پدید می آورد؛ ترس از این که مبدا ما نیز دچار همان بلایه می شویم که بر سر قهرمان تراژدی می آید و احساس شفقت و دلسوزی برای قهرمان تراژدی؛ چرا که او انسان خطایی کوچک، مستحق مکافات دهشتناک تراژدی نیست و در پایان از اینکه می بینیم ما خود گرفتار مشکلاتی نظیر بدبختی های قهرمان نیستیم، احساس تخلیه روانی (سبک شدگی) می کنیم». ارسطو "آن را «کاتارسیس» نام نهاد.

ولی باید اذعان کرد که نقد روانشناسانه با گستردگی بحث امروزی آن، با فروید و نظریه ناخودآگاه وی آغاز می شود. گرچه قبل از فروید کسانی چون هربارت "یا "فخنر" درباره ناخودآگاه بحث کرده بودند، اما تدوین و تبیین تئوری ناخودآگاه در دست های دقیق در مورد جنبه های آن، مروهون کشفیات فروید است.

"فروید" در سال ۱۸۵۶ م. در شهر فرایبورگ آلمان به دنیا آمد. در سال ۱۸۸۱ م. از دانشگاه پزشکی وین فارغ التحصیل و در یک بیمارستان عمومی مشغول به کار شد... از سال ۱۸۸۵ م. مهمترین نظریه ها و یافته های خود را انتشار داد...

دو تن از پیروان او یعنی "کارل گوستاو یونگ" و "آلفرد آدلر"، بعدها با برخی نظریات فروید به خصوص نظریه «لیبدو» به مخالفت برخاستند و راه خود را از فروید جدا

کردند... نظریات آدلر در سال ۱۹۲۰ م. مورد توجه بسیار قرار گرفت و شهرت فراوان یافت». (شایگان فر، ۱۳۸۶: ۱۰۴-۱۰۳)

نظریات فروید

یکی از نظریات عمده "فروید" «نا آگاهی» است که وی آن را اساس زندگی روانی می خواند و آن را شامل مجموعه ای از پدیده های روانی می داند که موقتاً یا برای همیشه دور از دسترس آگاهی است.

«بابا» گفت که: «قلمرو روان همان نا آگاهی است». هر اندیشه ای ناآگاهانه نیست، بلکه هر اندیشه ای به طور مستقیم، ابتدا در ناآگاه آشپان دارد. فروید نه تنها وجود بخش ناآگاه را به اثبات می رساند، بلکه نشان می دهد وابستگی هر مسئله روانی را از ناآگاه و به بخش ناآگاه نشانی می دهد. به موجب مثال فرایند ناآگاهی چنان آگاهی را احاطه کرده است که گویی دایره بزرگی، دایره کوچک تری را در میان گرفته است. یعنی ناآگاهی بخش آگاه را در بر می گیرد و کارش را برای او تعیین می کند.

در میان پدیده های روانی، پاره ای آشکارتر از بخش دیگر، بیرون از دایره نظارت و چیرگی رُخ می نمایند. رویاها خصوصاً چنین وضعی دارند چرا که خواب آگاهی را پس می راند. فروید می گوید: "تعبیر رویا شاهرهی است که به شناخت ناخودآگاه منتهی می شود".

ناخودآگاه شامل مجموعه ای از پدیده های روانی است که موقتاً یا برای همیشه، دور از دسترس آگاهی است. مثلاً یادبودهای کودکی من، یا خاطرات دو سال پیش، فعلاً یا دست کم همیشه، به یادم نیست. ولی با کوشش حافظه، بر حسب اتفاق، مثلاً اگر عکس را ببینم، آن دوره از زندگی را به یاد می آورم. در کنار خاطراتم، عادت ها و واکنش هایی دارم. فروید این بخش از ناآگاهی موقت را که کمابیش به آسانی فرا یاد می آید، پیش آگاهی می نامد. در حالی که پیش آگاهی مجموعه ای از مضمون های روانی موقتاً پنهان است. فروید اصطلاح

ناآگاهی را به پندارها اختصاص می دهد. پندارها یعنی عقیده ها، تصوّر‌ها یا هر اثری که در حافظه باقی می ماند و برای همیشه دور از دسترس آگاهی است.

این پندارها وابستگی تنگاتنگی به انگیزه های اساسی یعنی گرایش های عمده ما دارند. این انگیزه ها کلاً دو گونه هستند: «انگیزه های جنسی» و «انگیزه های بقا».

محتوای ناآگاه روان ما، با پویایی خود، مدام خواهان ابراز وجود در صحنه آگاهی هستند. یعنی گرایش هر ناآگاهی رسیدن به صحنه های آگاهی است.

...تجربه نشان می دهد که نیروی با ورود هر ناآگاهی به حوزه آگاهی مخالفت می ورزد. این نیرو، که بخشی از محتوای روانی را دور از دسترس آگاهی نگه می دارد، سرکوب روانی امیال خوانده می شود. در ادامه می نه توصیفی، بلکه پویا، بهینه ناآگاه، همان امیال سرکوفته است.» (غیاثی، ۱۳۸۲: ۳۰-۲۸)

اما باید بدانیم که امیال سرکوفته، بالانحرفه‌ای برای ازگشت و اظهار وجود خود، پیدا می کنند و این امیال سرکوفته به صورت کار ناکام، رؤیا و ... در می آیند.

«مبارزه برای نگهداشتن امیال سرکوفته در بخش ناخودآگاه، برای شخص بیمار (نورزه) چنان دشوار است که بیشترین نیروی او را به خود اختصاص می دهد و از فعالیت های بیرونی او می کاهد. با این همه، امیال سرکوفته، به رغم همه موانع، برای ابراز وجود و ارضاء خود بیراهه ای پیدا می کنند و بدون اطلاع بخش آگاه، خرسندی های جایگزین، نیز مستقیم و نمادین به دست می آورند. این برون فکنی جایگزینی، این لذت ها، این لذت های ظاهری و جایگزین، همان است که فروید آنها را «بازگشت امیال سرکوفته» می نامد. همین امیال سرکوفته است که به صورت کار ناکام، رؤیا و علائم بیمارگون در می آیند. می توان گفت که همه روانکاوی چیز دیگری جز مطالعه این لذت های جایگزین نیست.» (همان: ۳۳)

"دکتر شایگان فر" هم در کتاب نقد ادبی در مورد نظریه ناخودآگاه می گوید:

«از نظر "فروید"، روان انسانی به سه بخش، "خودآگاه"، "نیمه آگاه" و "نا خودآگاه"، تقسیم می شود. بخش خودآگاه، آن قسمت از ذهن است که در واقع فعالیت آگاهانه خود را با آن انجام می دهیم؛ همان «من» درون ضمیر که در حالت هشیاری به وجود آن آگاهیم. بخش نیمه آگاه آن قسمت از فرایند های ذهنی است که اگر چه فراموش شده یا از فعالیت آن آگاهی نداریم اما به راحتی یا تحت هر شرایطی به سطح خود آگاه می آید. بخش ناخودآگاه، آن قسمت از ذهن و فعالیت های ذهنی است که از وجود آن آگاهی نداریم، اما تأثیر خود را بدون اراده، اختیار ما، بر رفتار و تصورات ما می نهد.

"فروید" ذهن را به کوه یخ شناوری تشبیه می کرد؛ قسمت بالای آن که از آب بیرون است، خودآگاهی، قسمت نزدیک به سطح آب در زیر، نیمه آگاهی و قسمت اعظم آن که در زیر آب است و دیده نمی شود، ناخودآگاهی است. این قسمت از آنجا که بیشترین سهم را به خود اختصاص داده، خواه، ناخواه، تأثیر خود را بر اعمال و رفتار ما می نهد؛ بدون اینکه از فعالیت آن آگاه باشیم. فروید قسمت ناخودآگاه ضمیر را به مکانی تاریک و نادیدنی مانند می کرده و عقیده داشت، هر آنچه را فراموش می کنیم، در واقع از یاد ترفته است؛ بلکه به قسمت ناخودآگاه ذهن نقل مکان کرده است.

اهمیت ناخودآگاه از آنجاست که انسان هر تمایلی که در ذهنش که دوست ندارد و در حالت آگاهی از فکر آن رنجیده خاطر می گردد، به ناخودآگاه پس می راند. در آنجا محبوس می کند، به سخن دیگر صحنه های ناراحت کننده، تمایلات، افکار و... که در زندگی آگاهانه پذیرفته نیست، یا با تربیت، عرف، عقاید، مذهب و آداب و رسوم شخص سازگاری ندارد، برای از دست ندادن احترام و وجهه خود، در اجتماع، به سمت ناخودآگاهی واپس می زنیم. اما این تمایلات دست بردار نیستند و برای بروز و ارضای خود، علی رغم میل شخصی، سعی در ظهور خود دارند.» (شایگان فر، ۱۳۸۹: ۱۰۵)